

بازتاب جنبش مزدکی در متون سریانی و بیزانسی

آرش آقاجانیپور گزافرودی^۱

عسکر بهرامی^۲

ابراهیم باوفا^۳

میرزامحمد حسنی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

چکیده

هدف نوشتار حاضر پاسخ به این پرسش است: آیا آموزه‌هایی که در متون سریانی و بیزانسی مانند نظام همخوابگی آزاد و برابری اجتماعی ذکر شده‌اند، به جنبش مزدک مرتبط هستند؟ این پژوهش به شیوه تاریخی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نظام همخوابگی آزاد و برابری و مساوات اجتماعی مندرج در متون سریانی و بیزانسی پیش از دوره کواذ در جامعه رواج داشته و کواذ با همراهی پیروان زرادشت به گسترش آن پرداخت. در متون اوستایی و پهلوی گزارش‌ها همسو با مورخین مزبور می‌باشد اما در متون مورخان اسلامی به مزدک نسبت داده شده است. این تحقیق بر آن است که بر اساس متون سریانی و بیزانسی و مقایسه آن با متون اوستایی، پهلوی و آثار مورخین اسلامی به ارزیابی گزارش‌های تاریخی پیرامون زرادشت و مزدک بپردازد.

کلیدواژه‌ها: جنبش مزدک، متون سریانی و بیزانسی، ساسانیان، متون پهلوی و اسلامی

^۱ گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ar.aghajanpour@iau.ac.ir

^۲ دانشیار بنیاد دایره المعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) asbahrami@yahoo.co.uk

^۳ گروه تاریخ، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران bavafa@iaurasht.ac.ir

^۴ گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. mirzamohamadhassani@iau.ac.ir

مقدمه

جنبش مزدکی در نیمه پایانی دوره ساسانی به پیشوایی مزدک به عنوان یک جنبش اجتماعی-دینی ظهور کرد که اساس آن بر آموزه‌هایی نظام همخواهی آزاد و برابری اجتماعی استوار بود. این آموزه‌ها که مخالف ساختار طبقاتی و اقتصادی آن زمان بودند، واکنشی به تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی در این دوران می‌باشد. در منابع سریانی و بیزانسی، مانند یوشع ستون‌نشین^۱ (قرن ۵ و ۶ م)، رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک (قرن ۶ م) از مؤلفی گمنام، پروکوپيوس^۲ (د. حدود ۵۶۰ م)، آگاثیاس^۳ (د. حدود ۵۸۲ م)، یوهان مالالاس^۴ (د. ۵۷۸ م)، و تئوفانس^۵ (د. ۸۱۷ م)، از «زرادشت» و پیروان آن به نام زرادشتگان به عنوان بانی این نظام گزارش‌هایی یافت می‌شود. در متون اوستایی و به ویژه پهلوی بانی این سنت همسو با گزارش مورخان مزبور می‌باشد؛ در حالیکه در متون پهلوی بازنویسی شده در دوره اسلامی و همسویی با مورخان اسلامی نام مزدک جایگزین زرادشت می‌شود. این مسئله در تاریخ‌نگاری ساسانی و غیرایرانی، برای پژوهشگران که در پی درک دقیق‌تر از تاریخ و فرهنگ ایران باستان می‌باشند، مسأله‌ای مهم و چالش برانگیز به شمار می‌آید. در این پژوهش، محقق با تحلیل تطبیقی متون مختلف، به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا آموزه‌های ذکر شده در این متون مشابه آموزه‌های جنبش مزدک هستند یا خیر. پرسشی که در این تحقیق به آن پاسخ داده می‌شود، این است که آیا آموزه‌هایی چون بدعت‌گذاری در دین و اشتراک در زن، که در منابع سریانی و بیزانسی مطرح شده‌اند، می‌توان به جنبش مزدک نسبت داد؟ فرضیه اصلی این است که آموزه‌های موجود در منابع سریانی و بیزانسی، به ویژه نظام همخواهی آزاد و برابری و مساوات اجتماعی، در برهه‌ای از تاریخ جامعه ساسانی رواج داشته و در دوره کواذ و حمایت وی از زرادشتگان به عنوان پیروان نظام اشتراکی نشر و گسترش فراوانی یافت. مزدک بنیانگذار این نظام نبوده؛ بلکه از پیروان زرادشت محسوب می‌شده است که در متون پهلوی متأخر و اسلامی جایگزین زرادشت می‌شود.

پژوهش حاضر از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند گامی مؤثر در پر کردن خلأهای موجود در مطالعات جنبش مزدک و آثار آن در تاریخ‌نگاری ساسانی باشد. تحلیل این منابع از دیدگاه تطبیقی و تاریخی می‌تواند به روشن شدن ابعاد مختلف این جنبش و تأثیرات آن در جوامع هم‌عصر کمک کند. همچنین این تحقیق می‌تواند به بازخوانی تاریخ‌نگاری ساسانی و تعاملات فرهنگی آن با دیگر تمدن‌ها

1. Joshua the Stylite

2. Procopius

3. Agathias

4. John Malalas

5. Theophanes

کمک نماید و به‌ویژه در درک بهتر نحوه مواجهه فرهنگ‌های مختلف با جنبش‌های اجتماعی و دینی در آن دوران، راهگشا باشد.

پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه جنبش مزدک عمدتاً به منابع اسلامی و فارسی محدود شده و توجه کمتری به منابع غیرایرانی معاصر، به‌ویژه متون سریانی و بیزانسی دارد. این در حالی است که این منابع می‌توانند دیدگاه‌های متفاوت و مفیدی در خصوص جنبش مزدک و آموزه‌های آن ارائه دهند. علاوه بر این، پژوهش‌های موجود بیشتر بر تحلیل‌های سیاسی و دینی تمرکز کرده‌اند و تحلیل‌های اجتماعی و اقتصادی جنبش مزدک در بسیاری از این مطالعات نادیده گرفته شده است. یکی دیگر از نقدهای وارد بر پیشینه تحقیق، عدم تطبیق دقیق منابع مختلف تاریخی است که می‌تواند منجر به درک بهتر و جامع‌تری از جنبش مزدک شود. به‌ویژه متون سریانی و بیزانسی که در همان دوران ساسانی نوشته شده‌اند، می‌توانند منبعی مفید برای بررسی آموزه‌های مزدک از زاویه‌ای غیر از منابع اسلامی باشند.

در ادامه به بررسی پیشینه پژوهش پیرامون جنبش مزدک و تحلیل آن در منابع مختلف تاریخی می‌پردازیم:

آرتور کریستن‌سن در کتاب سلطنت قباد و ظهور مزدک (۱۳۷۴ ش) و پیگولوسکایا در کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان (۱۳۷۲ ش)، اشاره مورخانی مانند مالالاس و تئوفانس به مانویان را همان مزدکیان دانسته‌اند. همچنین سید علی نقوی خیال امروہوی در نوشتار خود با عنوان «بررسی تاریخی و مادی عقاید مزدک»، در کتاب مزدک (۱۴۰۲) قائل به این است که تئوفانس در نوشتار خود از مزدک یاد نموده است. که به احتمال وی تحت تأثیر کریستن‌سن قرار گرفته است. احسان یارشاطر در مقاله «کیش مزدکی» (۱۳۶۲ ش)، با اشاره کوتاه به متون مزبور، نظر مورخان آنان را بازگردان نظر دولت ساسانی می‌داند. ربیعی و فولادپور در مقاله «نگاهی تازه به داستان مزدک و قباد» (۱۳۷۱ ش)، به علت عدم وجود نام مزدک در متون مزبور، مزدک را نفی نموده‌اند. مسئله‌ای که پیش از اینان هانس گوبه‌در مقاله «Mazdak: Historical Reality or Invention?» آن را بیان نموده بود و تورج دریایی به نقل از Studia Iranica آن را در کتاب ساسانیان (۱۳۹۲)، نقل نموده است.

الهی‌ار خلعتبری و عباس زارعی مهرورز در مقاله «بررسی جنبش مزدک» (۱۳۷۹)، معتقدند نام مزدک در منابع پیش از اسلام وجود داشته و عدم ذکر نام مزدک در روایات سریانی و بیزانسی را به دلیل تسلط ناکافی نویسندگان غیر ایرانی بر اوضاع شاهنشاهی ساسانی دانسته‌اند. منصور شکی در

مقاله درست دینان» (۱۳۷۲)، با انتقاد از برخی پژوهندگان معاصر از عدم آگاهی از متون پهلوی، معتقد است خبری که مالالاس (د. ۵۷۸ م) از کیش مانوی در عصر کواذ (۴۹۶-۴۸۸ و ۴۹۹-۵۳۱ م) به دست داده اشتباه بوده و در واقع نام آیین مزبور درست دین است که موبدی به نام «زرادشت خرگان» آن را بنیان نهاده بود. اما شکی با آنکه خود معتقد به مطالعات تطبیقی بوده دقت نمی‌کند که در برخی متون متقدم عصر اسلامی نیز از جنبش‌های مزدکی و مانوی به صورت جداگانه یاد شده است. علیرضاشاپور شهبازی در تاریخ ساسانیان (۱۳۹۸ ش)، با دسته‌بندی متون یاد شده، زرادشت را زندقی مانوی می‌داند و با آنکه در بررسی رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک، از دو فرقه مانوی و زرادشتگان یاد نموده اما پیش از این می‌گوید این کتاب، زرادشت را با بوندس یکی فرض نموده است. محمد جواد شمس در مقاله «کتاب شناسی و مآخذ شناسی مزدکی» (۱۳۹۲)، به غیر از رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک، مابقی متون را دسته‌بندی نموده است اما مأخذ خود را اغلب از کلیما و کریستن‌سن برگرفته و از این متون تحلیلی به دست نداده است.

مزدک و آموزه‌های آن

مزدک به‌عنوان شخصیتی مبهم شناخته شده است و با اینکه پژوهش‌های فراوان پیرامون وی و آموزه‌هایش انجام گرفته، اما محققان هنوز موفق به جمع‌بندی آرای وی نشده و در واقع به اتفاق نظر نرسیده‌اند. موضوع مهم و قابل بررسی در منابع تاریخی، نظام همخوابگی آزاد است که از برخی روایات پسا ساسانی می‌توان استنباط کرد (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۰۲). از گزارش‌های طبری (د. ۳۱۰ ق) می‌توان به این نکته دست یافت که وی به‌عنوان داعی و مروج کیش شخصی به نام «زرادشت پسر خرگان» بود که بدعتی در کیش زردشت نهاده و مزدک نیز به تبعیت از وی آموزه مساوات در زن و مال را ترویج می‌نموده است (۱۳۵۳، ج ۲: ۶۴۶). بنابر این، بر اساس گزارش طبری منظور از کیش مزدکی به معنای آیین و کیش ترویج برابری است. و به همین سبب منابع از خلع کواذ یکم (۴۹۶-۴۸۸ و ۴۹۹-۵۳۱ م) به سبب گرویدن به مزدک یاد می‌کنند (ابو حنیفه دینوری، ۱۳۶۴: ۹۴؛ طبری، ۱۳۵۳، ج ۲: ۶۳۹)، که در واقع منظور آنان این است که پادشاه مزبور آموزه‌های مساوات طلبانه مزدک را پذیرا شده بود که این موضوع با روحیه اشرافیت و موبدان زردشتی ناسازگار می‌نمود. با این اوصاف یکی از دلایل شعار مساوات طلبانه مزدک و پذیرفتن آن از سوی پادشاه وقت را می‌توان فقر اقتصادی جامعه دانست که ریشه در جنگ‌های کشور با هپتالیان، خشکسالی و قحطی و داشته است.

با این حال موضوع مساوات را باید یکی از دیدگاه‌های نویسندگان عصر اسلامی دانست و این بر خلاف گزارش مورخان بیزانسی و سریانی و حتی برخی نگرش‌های زردشتی پیرامون آموزه اشتراک می‌باشد که در نوشتار نویسندگان متون پهلوی و حتی برخی متن‌های عصر اسلامی که ریشه در خدایانگ‌ها و دیدگاهی زردشتی داشته انعکاس یافته است که این موضوع، یعنی بحث اشتراک،

شامل التقاط طبقاتی و نشناختن اصل و نسب بزرگان از فقرا و اختلاط نژادی می‌باشد (کتاب سوم دینکرد، ۱۳۸۱، ج ۱، کرده پنجم: ۱۵ و ۱۶؛ فردوسی، ۱۳۹۰: ۶۲۸).

با توجه به این موارد، اینک می‌کوشیم گزارش منابع سریانی و بیزانسی را با تأکید بر آموزه نظام همخواهی آزاد و برابری اجتماعی بررسی کرده، سپس به مقایسه آنها با یکدیگر و ارزیابی و تحلیل این گزارش ها با داده های پسا ساسانی می‌پردازیم:

یوشع ستون نشین

یوشع ستون نشین، قدیم ترین مولف سریانی زبان (زنده، ۶۰۵ م) هم‌عصر با شاهنشاهی کواذ یکم (۴۹۶-۴۸۸؛ ۴۹۹-۵۳۱ م)، در بیان انگیزه لشکرکشی وی به بین‌النهرین و اختلافات سیاسی‌اش با آناستازیوس، امپراتور بیزانس، به فرقه زرادشتگان و به گرایش شاه ساسانی به اشتراک زنان و احیای فرقه مزبور اشاره کرده است (Joshua, 1882, xx: 13). این مورخ در ادامه، گزارشی از شورش اقوام و ارامنه به دست داده و در ضمن آن از بیزاری اشراف و اعیان از کواذ یاد نموده و دلیل رویگردانی خاندان‌های منتفذ را ناشی از نظام اشتراکی نهاد خانواده از سوی شاه ساسانی دانسته است (xxi: 14-15, 14 Ibid). گزارش یوشع از این جهت قابل تأمل است که وی کواذ را عامل برپایی فرقه زرادشتگان و نظام اشتراکی نهاد خانواده در جامعه دانسته است. در این زمینه، برخی متون متأخر که بازنویسی از متون دوره ساسانی می‌باشد، نظام اشتراکی در امور زنان را همچون یوشع ستون نشین به زرادشت نسبت داده و بنیان این نظام را عامل پرهیز از خطاها و انحرافات مذهبی و اجتماعی ذکر می‌کند (دینکرد سوم، ۱۳۸۱: ۱۵ و ۱۶).

رویدادنامه کرخ بیت سلوک

گئورگ هوفمان پژوهشگر آلمانی که بر روی متون سریانی تحقیق کرده، می‌نویسد: بعد از یوشع ستون نشین، متنی سریانی به نام رویدادنامه کرخ بیت سلوک، از نسطوری گمنامی که در قرن ششم میلادی در آسورستان آمی زیسته است، اهمیت بسیار دارد (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۰۴). بر اساس این متن، مانی و زرادشت دو شخصیت تاریخی در عصر بهرام یکم (۲۷۶-۲۷۳ م)، می‌زیسته‌اند. و آموزه‌های آنان در دوره خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ م)، در بین توده‌های مردم رواج داشته و با تحریک طبقات مذهبی به عنوان بدعت گذاران به دستور پادشاه مزبور سرکوب گردیدند (همان؛ شکی، ۱۳۷۲: ۳۳-۳۴).

1. Georg Hoffman

۲. نام این ناحیه که در کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت نیز آمده است (عریان، ۱۳۹۲: ۶۵ و ۷۰)، ناحیه ای در میان رودان شمالی یا مرکزیت سلوکیه-تیسفون در کشور عراق امروزی بوده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۲۶۵).

پروکوپيوس

نویسنده مزبور (د. حدود ۵۶۰ م) به منابع مختلفی دسترسی داشت و از آنها برای نگارش اثر خود بهره برد. برخی پژوهشگران کتاب «استاتیوس اپیفانی» اهل سوریه، را که به دست ما نرسیده است، منبع اصلی وی معرفی کرده‌اند (پیگولفسکایا، ۱۳۹۱: ۳۱). پروکوپيوس در گزارش اوضاع و احوال زمان کواذ (۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ م)، مبتنی بر منابع ارمنی و گزارش‌های ایرانی است (پروکوپيوس، ۱۳۹۱: ۲۸ و ۲۹). علاوه بر این، رومیان جاسوسانی در ایران داشتند که پروکوپيوس در مقام مشاور بلیزاریوس^۱ می‌توانسته به واسطه آنان درباره اوضاع داخلی ایران اطلاعات دقیقی به دست آورد (همان: ۱۰۱؛ ربیعی و فولادپور، ۱۳۷۱: ۵۶ و ۵۷؛ شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۰۴) وی از مزدک نامی نبرده و تنها به مسائل «اشتراک زنان»، پرداخته و بانی و ترویج آن‌را از سوی کواذ دانسته و با این کار موجب مخالفت و نارضایتی طبقات اعیان و اشراف با وی شده و این امر در خلع وی از پادشاهی تاثیرگذار بوده است (۱۳۹۱: ۲۷ و ۲۸).

آگاثیاس

دیگر مورخ بیزانسی یعنی آگاثیاس (د. حدود ۵۸۲ م)، هم‌عصر کواذ نبود، اما، اطلاعات خود درباره ایران را — به گفته خودش — از سرگیوس^۲ گرفته^۳ که به چند منبع پارسی دسترسی داشته است (۱۴۰۰: ۱۷۸). افزون بر این، وی متذکر می‌شود که سرگیوس نام‌ها و تاریخ رویدادهای بزرگ را ثبت و به یونانی برگردانیده بود (همان: ۱۷۹). بنابر این ممکن است که رویداد مزدک در خور اهمیت نبوده و از این رو نام وی در فهرست بزرگانی که سرگیوس از بایگانی سلطنتی گرفته و به یونانی برگردانده، وجود نداشته است.

نکته دیگر این است که سرگیوس به بایگانی شاهی در پارس^۴ دسترسی یافته بود که شاید نام مزدک در اسناد آنجا وجود نداشته است؛ در حالی که تیسفون پایتخت بود و در آنجا هم بی‌شک اسنادی نگهداری می‌شده که چه بسا در میان آنها اسناد مربوط به مزدک هم وجود می‌داشته است و اگر سرگیوس آنها را می‌دید و گزارش می‌کرد با واسطه آگاثیاس اطلاعاتی دست اول در این باره به ما می‌رسید. علاوه بر این، وی در بیان برخی وقایع پادشاهی کواذ (۴۹۶-۴۸۸؛ ۴۹۹-۵۳۱ م)، از پروکوپيوس (د. حدود ۵۶۰ م)، به عنوان منبع خود استفاده نموده است (همان: ۱۷۵).

1. Blisarius

2. Serge

^۳ پیگولفسکایا معتقد است آگاثیاس اطلاعات ساسانیان را از سرگیوس سوری و او نیز از شخص دیگری به دست آورده بود (۱۳۹۱: ۵۶).

^۴ برخی بر این باورند که سرگیوس به اصرار آگاثیاس در تیسفون آثار را دیده بود (ربیعی و فولادپور، ۱۳۷۱: ۵۴). اما در ترجمه مورد استفاده ما پارس ذکر شده است.

در هر حال، واقعیت آن است که آگاثیاس از مزدک نامی نبرده و پس از بیان وقایع چهار ساله حکومت بلاش (۴۸۴-۴۸۸ م) و با اشاره به دوره پادشاهی کواذ (۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ م) و آشوب‌های دوران حکومتش، به نکاتی بسیار در خور اهمیت اشاره کرده که از گزارش وی چنین بر می‌آید کواذ نظام اشتراکی در امور خانواده را در جامعه به اجرا در آورد و می‌کوشید «هم خوابگی آزاد» را در نظام اجتماعی ترویج دهد. به این ترتیب که هر مردی می‌توانست به هر زنی در صورت داشتن همسر نیز دسترسی داشته باشد. این رسم بر خلاف نظم اجتماعی جامعه دوره ساسانی بود و موجب مخالفت طبقات اشراف و خلع وی از مقام پادشاهی گردید (همان: ۱۷۴). در بخشی از این گزارش، کواذ به عنوان حامی و پشتیبان گروهی از بدعت‌گذاران معرفی می‌شود بی‌آنکه نامی از آنان برده شود (همان؛ شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۰۵).

مالالاس

یوهان مالالاس (د. ۵۷۸ م) تاریخنگار بیزانسی و از اهالی انطاکیه نیز نامی از مزدک نیاورده، بلکه از مانویان و اشخاص و القابی به مانند بوندس^۱ و اندرز آید نموده است. مالالاس از جمله می‌نویسد:

*در زمان دیوکلسیان^۲ گر شهر رُم یک مانوی پیدا شد
به نام بوندس. وی عقاید مانوی را رها نمود و از خود
باورهایی تازه رواج داد و این‌گونه می‌آموخت که خدای خوبی
با بدی به پیکار برخاست و بر او پیروز شد. بنابراین لازم است غلبه
کننده را ستایش نمود. وی هم چنین به پارس^۳ رفت و در آنجا به تبلیغ
پرداخت. این عقاید مانوی در زبان پارس‌ها، آیین Daristhenoi
خوانده می‌شود که آیین خوب معنی می‌دهد (1986, Book12, 42: 168).*

^۱. Bundos

^۲. Indarazar

^۳. Diokletianus برخی پژوهشگران مانند شهبازی، این نام را به صورت‌های دیوکلسیان، دیوکلیمان، و دیوقلطان ضبط نموده‌اند (۱۳۹۸: قسمت نمایه: ۷۶۹) و برخی دیگر آن را دیو کلتيانوس نوشته‌اند (کلیما، ۱۳۸۶: ۱۷۸) که هر دوی این اسامی یک شخص می‌باشند. بر این اساس وی قیصر روم (۳۰۵-۲۸۴ م) بوده است (ویتر و دیگناس، ۱۳۹۸: ۱۷) که دوره حکومت وی با عصر حکومت بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) و نرسی (۲۹۳-۳۰۲ م) هم زمان بوده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۰۶) که تعدادی این زمان را بین سال‌های ۲۸۴-۳۰۸ نیز عنوان نموده‌اند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۳: ۴۰۹).

^۴. اوتاگر کلیما معتقد است وقتی که مالالاس می‌گوید بوندس به Persis رفته بود، نباید مراد از آن را «فارس» دانست، بلکه مقصود او «ایران» است (۱۳۸۶: ۲۳۹). اما به نظر نگارنده و با توجه به متن آگاثیاس ممکن است اینگونه نباشد و به غیر از این با نگاه به برخی متون ارضی قرن پنجم، دیده می‌شود که این تاریخنگاران هنگام سخن از ملت و کشور ایران به ترتیب، از واژگانی «پارسیان» و «آریان» استفاده می‌کنند (غازار پارپتسی، ۱۳۹۸: بخش سوم: بند ۶۶: ۲۶۴ و ۲۶۴).

او به بخش دیگری از کتابش می‌آورد:

مانویت در این زمان^۱ در پارس آشکار شد. این امر، به‌ویژه گستاخی مانویان در برگزیدن اسقفی که نامش اندرز بود، خشم شاه پارس و موبدان پارس را برانگیخت. شاه پارس انجمنی رسمی برپا کرد و پس از آنکه همه مانویان را با اسقفشان دستگیر نمود و به نگهبانان فرمود همه آنان را بکشند. ایشان همه جلوی چشم شاه و اسقف عیسوی^۲ کشته شدند. او همچنین دستورهای نهانی به تمام نواحی زیر فرمانش صادر نمود تا هر مانوی که یافت شد در آتش بسوزانند و همه کتب آنها را نیز بسوزانیدند. این وقایع را سفیری پارسی که نامش بستگر^۳ بود اما چندی بعد مسیحی شد و تیموتئوس^۴ نام گرفت نقل نمود (Ibid, Book18, 30: 259-258).

از گزارش مالالاس نکاتی پیرامون موضوع پژوهش قابل

بررسی است:

۱. واژه‌های Daristhenoi و Darasthenos. برخی پژوهشگران واژه نخست را به «درست‌دینی» تعبیر کرده‌اند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۴۰۹) که آن را شخصی به نام بوندس حدود دو قرن پیش از عصر کواذ (۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ م) تبلیغ می‌کرده است و می‌توان آن را صورت تعدیل یافته آیین مانوی دانست. واژه دوم، یعنی Darasthenos صفتی است که مالالاس به کواذ داده است (1986, Book18, 9: 248) که مفهوم آن مشخص نیست. طبق بررسی شهبازی، واژه مزبور در معنی و مفهوم واژه Daristhenoi است (۱۳۹۸: ۵۰۶). برخی دیگر با این نظر موافقت، اما برخلاف گزارش مالالاس، و براساس متن پهلوی دینکرد، آن را «دریسدین» و مزدکی می‌دانند (شکی، ۱۳۷۲: ۳۳). کریستن سن دین مزدک را همان درست‌دینی دانسته که اشاعه‌دهنده آن بوندس بوده است. او بر این باور است که فرقه مزدکی همان مانویتی است که نزدیک به دو قرن پیش از عصر کواذ در روم تاسیس یافته، اما بنیان‌گذار آن یک ایرانی به نام زرادشت خرگان بوده است (۱۳۹۳: ۲۴۵).

^۱ منظور زمان ژوستینین (Justinian) یعنی حدود ۵۲۷ م به بعد می‌باشد.

^۲ در ترجمه انگلیسی به صورت Christian آمده است.

^۳ Bastgar

^۴ Timotheos

پژوهشگران به سبب هم‌عصر بودن بوندس مورد اشاره مالالاس با زرادشت یاد شده در رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک، آن دو را یک شخص پنداشته و یادآور شده‌اند که رویدادنامه مذکور بنیان‌گذار آیین مزدک را زرداشت دانسته است (همان). و سپس با خلط نمودن زرادشت یادشده در متن کرخ بیت‌سلوک با زرادشت بن خرگان متون اسلامی که بنیان‌گذار آیین مزدکی بوده است (طبری، ۱۳۵۳: ج ۲: ۶۴۶؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۸۹: ج ۱: ۱۶۸) آن دو را یک شخص فرض کرده و به همین دلیل مانویان را همان مزدکیان دانسته‌اند.

۲. نکته دیگر که مالالاس به آن اشاره کرده، سرکوب یک فرقه مانوی در دهه پایانی حکومت کواذ است؛ در حالی که پیش از این، متن رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک علاوه بر مانویان به سرکوب زرادشتگان نیز اشاره کرده است؛ یعنی موضوعی که اغلب منابع اسلامی آن را سرکوب مزدکیان توسط انوشیروان معرفی کرده‌اند. با وجود این، برای قضاوت درباره فرض فوق می‌توان به متن یوشع ستون‌نشین نیز اشاره کرد که کواذ را تجدیدکننده فرقه‌ای از مغان به نام زرادشتگان معرفی می‌کند (13: xx, 1882) که با مقایسه با متن رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک می‌توان چنین گفت: هر دو متن به سبب یاد نمودن از «زرادشت» دارای اشتراک‌اند. بر این اساس می‌توان تصور کرد که حداقل کواذ (۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ م) حامی پیروان زرادشت بوده است؛ در حالی که طبق گفته مالالاس، این مانویان بودند که پس از سال ۵۲۷م — هرچند مشخص نمی‌کند توسط کواذ و یا انوشیروان — سرکوب شدند.

به این ترتیب، ارتباط مزدکیان با مانویانی که مالالاس یاد نموده است، بی‌اعتبار می‌نماید؛ چرا که می‌توان بین کواذ و زرادشتگان — به سبب یاد نمودن رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک از آنان به عنوان فرقه‌ای فعال تا عصر انوشیروان و اشاره یوشع ستون‌نشین به آنان و کواذ — و متون اسلامی‌ای که مزدک را با زرادشتگان پیوند می‌زنند، ارتباط برقرار کرد که اینان نیز بر طبق رویدادنامه مذکور توسط انوشیروان نابود شدند (شه‌بازی، ۱۳۹۸: ۵۰۴؛ شکی، ۱۳۷۲: ۳۳ و ۳۴).

بنابر این مشخص می‌شود که در اواخر سلطنت کواذ و اوایل عصر انوشیروان دو فرقه متفاوت در طبقات اجتماعی جامعه جریان داشتند: ۱. طبق رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک: مانویان و زرادشتگان، ۲. طبق گفته مالالاس: مانویان. بنابر این با توجه به سخن یوشع ستون‌نشین مبنی بر احیای فرقه زرادشتگان توسط کواذ و متن رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک و دو منبع اسلامی یادشده، می‌توان نظر آن دسته از پژوهندگان معاصر را که به همسانی مانویت مورد اشاره مالالاس با جنبش مزدکی قائل هستند، رد کرد و با توجه به اشاره مالالاس به مانویان نتیجه گرفت که جنبش مزدکی بازتابی در متن

مالالاس ندارد و این پژوهندگان معاصر بوده‌اند که مزدکیه را با جنبش گزارش شده در متن مالالاس خلط کرده‌اند.

تئوفانس

تئوفانس (د. ۸۱۷ م) قدیس و تاریخ‌نگار یونانی، کمابیش یک و نیم قرن پس از روایت مالالاس، و گویا در فاصله سال‌های ۸۱۰-۸۱۴ م. گزارشی با عنوان گاهنامه نوشته است (پیگولفسکیا، ۱۳۹۱: ۲۹) که وقایع تاریخی سال‌های ۲۸۴-۸۱۱ م. را در برمی‌گیرد (کلیما، ۱۳۸۶: ۱۹).

اهمیت این گاهنامه در این است که بر اساس آثاری که به دست ما نرسیده، تألیف شده است. از این متن که منابع مختلفی داشته است می‌توان اطلاعاتی از حکومت ایران و دربار ساسانیان در سده‌های ششم و هفتم م. به دست آورد. تئوفانس قرابت زیادی میان این اطلاعات و سنن مکتوب در رویدادنامه‌های سریانی مشاهده می‌کند (پیگولفسکیا، ۱۳۹۱: ۳۰). او برای سده‌های ششم و هفتم م. از آثار یوحنا اپیفانی^۲، تئوفیلاکت سیموکاتا^۳، و چند اثر دیگر بهره برد. علاوه بر آن، او به منابعی چون سالنامه‌های کنسولی، رویدادنامه قسطنطنیه و دست نوشته‌های بطریق‌های دیگر، دسترسی داشته است (همان: ۲۹).

تئوفانس با اشاره به نزدیکی کاووس، فرزند کواذ اول، به مانویان، و بدون ذکر نام مزدک، به تعقیب مانویان در قرن ششم م. اشاره می‌کند که برخی معتقدند در این متن منظور از مانویان همان مزدکیان است (کریستنسن، ۱۳۷۴: پانوش ۱: ۲۸؛ کلیما، ۱۳۸۶: ۲۸۲؛ پیگولوسکیا، ۱۳۷۲: ۴۰۸؛ یارشاطر، ۱۳۶۲: ۱۲). پژوهندگان دلیل آن را برداشت بد تئوفانس از مالالاس و راوی ایرانی وی، بستگر، می‌دانند (یارشاطر، ۱۳۶۲: ۱۲). با این حال معلوم نیست چرا راوی ایرانی نام مزدک را به تئوفانس و یا مالالاس نگفت؟! با این وجود بر اساس روایت تئوفانس:

کواذ در یک روز تعداد زیادی از مانویان و مشاورین ایرانی که به مانویت گرویده بودند را با رییس مذهبی آنان به نام اندرز می‌کشد؛ چرا که آنان به پسر کواذ-فتاسوارسان-که به آیین آنان گرویده بود وعده جانشینی کواذ، آنهم به شرط ترویج کیش مزبور را می‌دهند. فتاسوارسان نیز این شرط را می‌پذیرد. کواذ متوجه می‌شود و در یک مجلس عام که موبدان موبد و موبدان دیگر و همچنین اسقفی مسیحی نیز حضور داشتند مانویان را به هلاکت می‌رساند و دستور کشتن سایر پیروان مانویت را صادر می‌کند و می‌گوید تا اموال آنان را برای خزانه شاهی ضبط نمایند و آن قوم را بسوزانند

¹. Chronographia

². John of Epiphania

³. Theophylact Simocatta

(کریستنسن، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۹). بر اساس گزارش تئوفانس، مانویان به کواذ نزدیک بودند یا با روابطی که داشتند، می‌توانستند به وی نزدیک شوند که به این ترتیب به فرزندش قول جانشینی سلطنت را می‌دهند که همین امر سبب کشتار مانویان می‌شود.

طبق گزارش تئوفانس پیشوای مذهبی مانویان ایندَرَزَر نام داشت که برخی او را مزدکی دانسته- اند (کریستنسن، ۱۳۹۳: ۲۶۰). این ندیم (د. ۳۸۰ ق) نیز ضمن اشاره به خرمیان از مجوسانی یاد می‌کند که به لقطه شهرت داشتند و پیشوای آنان مزدک باستانی بوده است (۱۳۶۶: ۶۱۱؛ de Blois, 2015: 142) و در ادامه از مزدک دیگری که در عهد کواذ می‌زیسته یاد می‌کند (همان). فرانسوا دوبلوا متخصص زبان‌ها و ادبیات سامی و ایرانی معتقد است که منظور از مزدک باستان همان زرادشت خرگان است (ibid, 143) و این موضوعی است که پیش‌تر کلیما نیز به آن اشاره نموده بود (۱۳۸۶: ۳۲۸). اما به مانند برخی دیگر مزدک اخیر را پیشوای مزدکیان و همان ایندَرَزَر دانسته‌است (سامی، ۱۳۹۷: ج ۱: ۲۲۷). برخی محققان یکی از پیشوایان مزدکی به نام «شروین»^۳ را یاد کرده‌اند که احتمالاً همان اندرزگر است که در عصر کشتار مزدکیان پیشوای ایشان بوده و در همان زمان از میان رفت (یارشاطر، ۱۳۶۲: ۲۶). با وجود این بر طبق متن تئوفانس می‌توان گفت ایندَرَزَر مُبَلِّغ آیینی بوده که خشم کواذ را برانگیخته بود و اینکه آیین مورد نظر وی مانویت بوده است نه مزدکیه. از نکات دیگر اشاره به «ضبط اموال مانویان برای خزانه شاهی» است که می‌تواند اشاره به اجرای قانونی برای زندیقان و بدعت‌گذاران باشد؛ چرا که براساس متن حقوقی مادیان هزاردادستان دارایی متعلق به زندیق به نفع خزانه شاهی مصادره می‌شده است (۱۳۹۳: ۳۵۹). در نهایت، تئوفانس نیز مانند مالالاس به سرکوب مانویان و رهبر و مبلغ دینی آنان به نام ایندَرَزَر اشاره کرده است که برخی پژوهشگران معاصر از آن به مزدک و مزدکیان تفسیر کرده‌اند و با توجه به توضیح و تحلیل ما از متن مالالاس، نمی‌توانیم مانویان مورد اشاره تئوفانس را به مزدک و پیروان آن ارتباط دهیم.

مقایسه انتقادی متون:

الف. سریانی و بیزانسی

از مقایسه متون مورد اشاره درباره نظام اشتراکی در امور خانواده در می‌یابیم که در هیچ‌یک از آثار مورد مطالعه نامی از مزدک به عنوان بدعت‌گذار در نظام اجتماعی برده نشده است و این در حالی است که نویسندگان مزبور، بانی این نظام را به شخصی به نام «زرادشت» و به پیروان آن یعنی زرادشتگان نسبت می‌دهند. یوشع ستون‌نشین (قرن ۵ و ۶ م)، کواذ (۴۹۶-۴۸۸ و ۴۹۹-۵۳۱) را احیا

^۱.Indarazar

^۲.Francois De Belois

^۳. ابوالمظفر اسفراینی (قرن ۵ هـ) از شخصی به نام شروین که در عهد جاهلی می‌زیسته یاد نموده است اما به اندرزگر بودن وی اشاره نمی‌کند (اسفراینی، بی تا: ۱۱۴).

کننده فرقه‌ای مغانی به نام زرادشتگان می‌داند که هم‌خوابگی آزاد را ترویج می‌کرد و هم‌چنین او بوده که هم‌خوابگی با زنان طبقات بالای جامعه را فراهم کرد (Joshua, xxII: 14-15). گزارش نویسنده رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک (قرن ۶ م)، پیرامون نظام اشتراکی و بنیانگذار آن یعنی زرادشت، با گزارش یوشع ستون‌نشین همسو می‌باشد (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۰۴). اما پروکوپئوس (د. حدود ۵۶۰ م)، در گزارشی متفاوت کواذ را بانی نظام اشتراکی در امور خانواده در جامعه می‌داند (۱۳۹۱: ۲۸ و ۲۹). یعنی موضوعی که دو نویسنده سریانی زبان پیشین به شخص دیگری غیر از کواذ پادشاه ساسانی، یعنی زرادشت، نسبت داده بودند. آگاثیاس (د. حدود ۵۸۲ م)، بی‌آنکه نامی از بدعت‌گذار نظام اشتراکی برده باشد فقط به نقش کواذ در گسترش آن پرداخته است و از گزارش این نویسنده چنین بر می‌آید که رسم نظام هم‌خوابگی آزاد بر خلاف نظام اخلاقی جامعه پارسی بوده اگر چه برخلاف آموزه‌های زردشت، در برخی از مقاطع تاریخی خارج از ارزش‌های مذهبی حاکم در جامعه دیده شده است اما ارزش‌ها و سنت‌های زردشتی در نظام اجتماعی پارسی چنان بوده که نظام اخلاقی رسم نظام اشتراکی را بر نمی‌تافته، تا بدان حد که در برابر بدعت‌گذاری زرادشت و حامی آموزه‌های آن یعنی کواذ پادشاه ساسانی (۴۹۶-۴۸۸؛ ۴۹۹-۵۳۱ م)، به مخالفت برخاسته و سرانجام این بدعت باعث از هم پاشیدگی نظام اجتماعی و سرنگونی پادشاهی وی گردید (آگاثیاس، ۱۴۰۰: ۱۷۴ و ۱۷۵). همچنین وی به حضور مانویان در جوامع پارسی هم زمان با ترویج نظام اشتراکی اشاره کرده است (همان: ۷۹). در این میان دو نویسنده بیزانسی، مالالاس (د. ۵۷۸ م) و تئوفانس (د. ۸۱۸ م)، که متأخر از نویسندگان مزبور می‌باشند گزارشی متفاوت از نویسندگان پیشین به دست داده‌اند که از این گزارش چنین بر می‌آید که مانویان در روزگار کواذ و انوشیروان بسیار پُر نفوذ بوده و به سبب گسترش آموزه‌های مانویت در نظام اجتماعی از جانب دو پادشاه فوق سرکوب و قتل عام شدند (1986, Book18,30: 258-259). کریستنسن، (۱۳۷۴: ۲۷-۲۹) برخی پژوهشگرانی معاصر از سرکوب این رویداد چنین نتیجه گرفته‌اند که منظور از مانویان همان پیروان نظام اشتراکی در امور خانواده به رهبری فردی به نام «مزدک» بوده است. (کریستنسن، ۱۳۷۴، پانویس ۱: ۲۸؛ کلیما، ۱۳۸۶: ۲۸۲؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۴۰۸؛ یارشاطر، ۱۳۶۲: ۱۲) این در حالی است که هیچ‌یک از متون سریانی و بیزانسی پیرامون نظام هم‌خوابگی آزاد در بین طبقات سیاسی و اجتماعی از مزدک و وجود شخصیتی تاریخی وی نامی نبرده‌اند. همچنین در این متون از نظام برابری و مساوات در امور اقتصادی گزارشی دیده نشده است. با توجه به این امور، در متون پسا ساسانی نظام هم‌خوابگی آزاد که در متون عصر ساسانی بنیانگذار آن زرادشت و حامی آن کواذ ساسانی (۴۸۸-۴۹۶؛ ۴۹۹-۵۳۱ م)، بود، به مزدک نسبت داده شد و نظام اشتراکی در امور اقتصادی بدان اضافه گردید. اینک به بررسی برخی از این متون می‌پردازیم:

ب. روایات متون اوستایی و پهلوی از مزدک و آموزه‌های اشتراکی

ب. ۱. متون اوستایی

اوستای موجود یک چهارم اوستای دوره ساسانی است و زنده برخی از بخش‌های گمشده آن نیز باقی مانده است (آندرس تولدو، ۱۳۹۸: ۱ و ۲) و شامل پنج متن یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا می‌باشد. در متون اوستایی و پهلوی همچون متون سریانی و بیزانسی درباره نظام همخوابگی آزاد و آموزه‌های اشتراکی اشاره چندانی نشده است. از برخی گزارش‌ها می‌توان دریافت که برخی آموزه‌های مندرج در این متون ناظر بر آموزه‌هایی است که به مزدک نسبت داده شده بود. در متن اوستایی وندیداد نیز خبری از نام مزدک نیست اما در تفسیر پهلوی، یعنی زند، نام مزدک بدان اضافه شده است (دارمستتر، ۱۳۸۸، فرگرد چهارم، بند ۴۸ و ۴۹: ۱۱۰ و ۱۱۱؛ شکی، ۱۳۷۲: ۳۷).

ب. ۲. متون پهلوی

موبدان زردشتی دوره ساسانی در کنار تدوین اوستا و زند آن، آثار دیگری هم به زبان پهلوی نوشتند که به دست ما رسیده است. شماری از آنها زنده بخش‌های گمشده اوستا و تعدادی هم خلاصه متن‌های اوستایی یا نوشته‌هایی با مضامین دینی و سرانجام هم تعدادی متن غیر دینی هستند که این مجموعه بخش اصلی ادبیات پهلوی را تشکیل داده‌اند و در این دوره چند متن دیگر نیز تألیف شده است که از این بین می‌توان به کتاب‌های دینکرد، بندهش و زند بهمن یسن اشاره نمود.

در متون پهلوی مانند دینکرد سوم و چهارم به طور مستقیم به نام مزدک اشاره نشده است. دینکرد به معنای «اعمال دینی» یا «تألیف دینی» بزرگترین متن پهلوی موجود است. این اثر در قرن سوم یا چهارم هجری از روی متن عصر ساسانی تدوین یافته است (آندرس تولدو، ۱۳۹۸: ۱۶). دینکرد سوم که بزرگ‌ترین کتاب از کتاب‌های موجود دینکرد است و محتوای آن عمدتاً فلسفی و جدلی، و در مقابله دین زردشتی با ادیان آن روزگار است (همان: ۱۵؛ آموزگار و تفضلی، ۱۳۹۹: ۲۹)، با نسبت آموزه‌های اشتراکی زن و مال به «زرادشت»، از آموزه‌های مزبور به عنوان راه درمان مردم از، آز، شهوت، و دیگر خطاها توجیه می‌کند. موضوعی که با روایت فردوسی (د. ۴۲۹ ق)، بی‌شبهت نبوده، با این تفاوت که فردوسی این موضوع را به مزدک نسبت داده است (دینکرد سوم، ۱۳۸۱: ۱۵ و ۱۶؛ فردوسی، ۱۳۹۰: ۶۲۷). در دینکرد چهارم که مطالب آن با دینکرد سوم شباهت دارد اما جنبه جدلی و منطقی آن ضعیف‌تر است (تفضلی، ۱۳۹۸: ۱۳۳) و موضوع آن آفرینش امشاسپندان، ذکر اسامی شاهان حامی دین مزدیسنا از داریوش سوم هخامنشی تا انوشیروان، موجودات گیتی، کتاب بدعت‌گذاران و غیره می‌باشد (همان)، در این متن از سرکوب بدعت‌گذاران از جانب انوشیروان و همدستی طبقات

اشراف و بزرگان مذهبی با وی سخن به میان می‌آید بی‌آنکه نامی از مروجان بدعت و حامیان آنان برده شده باشد (۱۴۰۰: ۶۵).

دینکرد هفتم که بر اساس متن اصلی و ترجمه نسک اوستایی تدوین شده است، گزارشی از زندگی زردشت می‌باشد (آندرس تولدو، ۱۳۹۸: ۱۶). در فصلی از این کتاب، از شارحان و مفسران ساسانی سخن به میان آمده و مزدک نیز از شمار آنان محسوب شده است اما از وی با لقب پتیاره دین، و بدعت‌گذارترین بدعت‌گذاران یاد می‌شود (۱۳۸۹: ۲۵۸). و از خصوصیات اینان تظاهر به باورها و آیین‌ها یاد می‌کند (همان). در بخشی دیگر از این کتاب به نظام اشتراکی مزدکیان نیز اشاره شده است (همان: ۲۵۹). در متن پهلوی دیگر، بُندهش، که بر اساس ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا تدوین یافته و در سده سوم هجری بازنویسی شده است (آندرس تولدو، ۱۳۹۸: ۱۶)، در فصول مختلف آن از چند کتب همچون خداینامگ یاد شده است که تدوین‌کننده اثر از آنها برای نوشتن متن کتاب مزبور مورد استفاده نموده است (تفضلی، ۱۳۹۸: ۱۴۳ و ۱۴۴). در این کتاب، مزدک به عنوان شخصیتی که نظام اشتراکی را در بنیان خانواده نهاده بود معرفی شده که به عقیده موبدان زردشتی وی خواستار نابودی دین مزدیسنان بوده است (فرنخ دادگی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). در زند بهمن یسن که شامل حوادثی راجع به آینده مردم و دین ایران بوده که اورمزد وقوع آنها را به زردشت پیشگویی نموده بود (آموزگار و تفضلی، ۱۳۹۹: ۳۴) و تدوین نهایی آن به احتمال به قرن سوم و چهارم هجری می‌رسد (آندرس تولدو، ۱۳۹۸: ۱۹)، مزدک ملعون و دشمن دین خوانده می‌شود (زند بهمن یسن، بی تا: ۱ و ۲).

با توجه به آنچه گفته شد چنین بر می‌آید که نظام همخوابگی آزاد و برابری و مساوات در نظام اجتماعی مندرج در متون اولیه پهلوی به «زرادشت» نسبت داده شده است که همسو با گزارش نویسندگان سریانی زبان و بیزانسی می‌باشد اما از قرن سوم هجری به تدریج نام مزدک جایگزین نام زرادشت می‌شود و پس از این دوران اغلب متون مانند دینکرد هفتم، هر جا از نظام همخوابگی آزاد و برابری و مساوات گفتاری به میان آورده از مزدک به عنوانی بدعت‌گذار این نظام یاد کرده و مورد لعن قرار داده است (۱۳۸۹: ۲۵۸).

پ. متون فارسی و عربی

عموم مورخین دوره اسلامی که آثار خود را در روزگار خلافت عباسیان (۶۵۶-۱۳۲ ق) به رشته تحریر درآورده‌اند، به منابع و مآخذ دوره ساسانی دسترسی داشته و در آغاز و ضمن ارائه گزارش‌های تاریخی پیرامون تاریخ دودمانی و سیاسی پادشاهی ساسانی به برخی از آنها اشاره کرده‌اند. ابن قتیبه دینوری (د. ۲۷۶ ق)، به نقل از کتاب «سیر العجم»، در بحث از ویژگی‌های اخلاقی و منش سیاسی کواد و انوشیروان، به نظام برابری و مساوات از جانب مزدک پرداخته است (بی تا: ۶۶۳). در این زمینه

ابوحنیفه دینوری (د. ۲۸۲ ق)، در گزارش خود به خلع کواذ (۴۹۶-۴۸۸؛ ۴۹۹-۵۳۱ م) از جانب موبدان به سبب پیروی از مزدک سخن گفته است (۱۳۶۴: ۹۴). یعقوبی (د. ۲۹۲ ق)، به نظر می‌رسد به نقل از خداینامگ‌ها و آیین نامگ‌ها، علاوه بر نظام برابری اقتصادی به نظام همخوابگی آزاد زنان نیز پرداخته است. بانی این دو آموزه را به مزدک نسبت داده و زرادشت خرگان را که در متون سریانی بنیانگذار نظام اشتراکی زنان بوده، به عنوان بدعت‌گذار در آیین زردشت به شمار آورده است (۱۳۸۲، ج ۱: ۲۰۲). مفصل‌ترین گزارش پیرامون نظام اشتراکی و مساوات در تاریخ طبری آمده است. وی سه گزارش از رویداد این نظام به دست داده است که از برخی جوانب همسو با گزارش مورخین فوق می‌باشد. طبری نیز همچون یعقوبی، زرادشت خرگان را بدعت‌گذار در آیین زردشت دانسته اما در ادامه قائل به این است که مزدک از پیروان آموزه‌های وی بوده است (۱۳۵۳، ج ۲: ۶۴۶). در بخشی از این گزارش یعنی زرادشت بانی نظام همخوابگی آزاد و پیروی کواذ از وی همسو با گزارش یوشع ستون‌نشین و رویدادنامه کرخ بیت‌سلوک است. سایر مورخین این دوران نیز مانند: مطهر بن طاهر مقدسی (زنده. ۳۵۵ ق)، بلعمی (زنده. ۳۵۲ ق)، ابوریحان بیرونی (د. ۴۴۰ ق)، و ابن اثیر (د. ۶۳۰ ق) پیرامون نظام همخوابگی آزاد و برابری و مساوات از مزدک همچون مورخین پیشین سخن گفته‌اند (۱۳۷۴، مجلد اول تا سوم: ۵۱۸ و ۵۱۹، ۱۳۵۳، ج ۲: ۹۶۷ و ۹۶۸؛ ۱۳۸۹؛ ۳۱۱؛ ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۸۰). در این میان برخی مانند مسعودی (د. حدود ۳۴۵ ق)، به تأویل اوستا توسط مزدک اشاره نموده است (۱۳۸۹: ۹۵) و از گزارش وی پیرامون پادشاهی انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ م) چنین استنباط می‌شود که مزدک با بدعت‌گذاری دین زردشتی را با چالش جدی مواجه نموده بود (۱۳۸۲، ج ۱: ۲۵۸ و ۳۴۶).

نتیجه

در جامعه پارسی در روزگار باستان بنیان خانواده از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. آموزه‌های زردشت نیز طبق گزارش مورخان سریانی و بیزانسی نقش اساسی در تقویت ارکان آن داشته است. در برهه‌ای از این دوران این سنت و نظام به دلایل اجتماعی و سیاسی و به ویژه طبقاتی دستخوش آسیب شده به گونه‌ای که در بین نظام اجتماعی این دوران برخی گزارش‌ها حاکی از سنت‌های اشتراکی در نظام خانواده می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بر اساس گزارش متون سریانی و بیزانسی نظام همخوابگی آزاد و برابری و مساوات پیش از روزگار کواذ بوده است و در این دوران توسط این شخص و احیا کننده این سنت یعنی زرادشت در جامعه گسترش و تعمیم پیدا می‌کند و این مسئله برمی‌گردد به بافت سفت و سخت نظام طبقاتی و اجتماعی جامعه ساسانی که به نظر می‌رسد شاه ساسانی با همدستی پیروان زرادشت با برجسته کردن آن برای به چالش کشیدن نفوذ موبدان و اشراف و اعیان و رهایی نظام پادشاهی از سلطه آنان، به این کار مبادرت ورزیده است. و این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار بوده که پادشاهی وی توسط موبدان پر نفوذ به مخاطره افتاده و

در برهه‌ای مقام پادشاهی خود را از دست داد. در متون پسا ساسانی مجموعه نظام همخوابگی آزاد و برابری و مساوات به شخصی به نام مزدک نسبت داده شده است که معلوم نیست نویسندگان متون پهلوی و مورخین دوره اسلامی بر اساس چه منبع و منابعی این آموزه‌ها را به مزدک که فاقد شخصیت تاریخی بوده، نسبت داده‌اند؛ البته در برخی گزارش مورخین اسلامی مزدک حامی و پیرو زرادشت بانی و بنیانگذار نظام اشتراکی در نهاد خانواده و نظام اجتماعی معرفی شده است. مورخین معاصر و برخی پژوهشگران بدون تعمق و بررسی برخی از متون بیزانسی مانند مالالاس و تئوفانس، گزارش و روایت‌های این دو را به فرقه مزدکیه نسبت داده‌اند، در حالی که، گزارش آنان با مقایسه برخی متون پیشا ساسانی و پس از آن نشان می‌دهد که منظور آنان فرقه مانوی بوده است که در روزگار کواذ و انوشیروان پیروان و نفوذ فراوانی داشته است.

کتاب‌نامه

- آگاثیاس (۱۴۰۰)، **تواریخ**، ترجمه: محمود فاضلی بیرجندی، چاپ اول، تهران: لاهیتا.
- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۹۹)، **زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن**، چاپ یازدهم، تهران: معین.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۴)، **تاریخ کامل**، ترجمه: سید محمدحسین روحانی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- ابن قتیبہ الدینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم (بی تا)، **المعارف**، تحقیق: ثروت عکاشه، قاهره: دارالمعارف.
- ابن ندیم، محمد بن اسحق (۱۳۶۶)، **الفهرست**، ترجمه و تحشیه: محمدرضا تجدد، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- ابوریحان بیرونی، محمد (۱۳۸۹)، **آثارالباقیه**، ترجمه: اکبر دانا سرشت، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر.
- اسفراینی، شهنشاه طاهر (بی تا)، **التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجیه عن الفرق الهالکین**، تحقیق و ترجمه و حواشی: محمد زاهد بن الحسن الکوثری، قاهره: مکتبه الازهریه للتراث.
- بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۵۳)، **تاریخ بلعمی**، تصحیح: محمد تقی بهار، به کوشش: محمد پروین گنابادی، تهران: زوار.

پروکوپوس (۱۳۹۱)، **جنگهای پارسیان؛ ایران و روم**، ترجمه: محمد سعیدی، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.

پیگولفسکایا، نینا (۱۳۹۱)، **ایران و بیزانس در سده‌های نهم و دهم میلادی**، ترجمه: کامبیز میربها، چاپ دوم، تهران: ققنوس.

پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا (۱۳۷۲)، **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**، ترجمه: عنایت‌الله رضا، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

تفضلی، احمد (۱۳۹۸)، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، به کوشش: ژاله آموزگار، چاپ هشتم، تهران: ققنوس.

خلعتبری، الهیار؛ زارعی مهرورز، عباس (بهار و تابستان ۱۳۷۹)، «بررسی جنبش مزدک»، **شناخت**، ش ۲۷، صص ۱۲۶-۱۰۸.

دارمستتر، جیمس (۱۳۸۸)، **مجموعه قوانین زرتشت یا ونیداد اوستا**، ترجمه: موسی جوان، چاپ پنجم، تهران: دنیای کتاب.

دریایی، تورج (۱۳۹۲)، **ساسانیان**، ترجمه: شهرناز اعتمادی، ویراسته: کامیار عبدی، چاپ اول، تهران: توس.

دینکرد هفتم (۱۳۸۹)، صحیح متن، آوانویسی، نگارش فارسی، واژه‌نامه و یادداشت‌ها از محمدتقی راشد‌محصل، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دینکرد چهارم (۱۴۰۰)، پژوهش: مریم رضایی، چاپ چهارم، تهران: علمی.

دینوری، ابو حنیفه داود (۱۳۶۴)، **اخبار الطوال**، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

ربعی، هایدو و فولادپور، همایون (۱۳۷۱)، «نگاهی تازه به داستان مزدک و قباد»، **مجله کلک**، شماره ۲۸، صص ۷۹-۳۷.

زند بهمن یسن (بی تا)، ترجمه و تصحیح: محمد تقی راشد محصل، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سامی، علی (۱۳۹۷)، **تمدن ساسانی**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: سمت.

- شکی، منصور (۱۳۷۲)، «درست‌دینان»، *معارف*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۵۳-۲۸.
- شمس، محمد جواد (۱۳۹۲)، «کتاب‌شناسی و مآخذ شناسی مزدکی»، *نامه فرهنگستان*، ش ۵۰، صص ۹۱-۱۰۶.
- شهنازی، علیرضا شاپور (۱۳۹۸)، *تاریخ ساسانیان*، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۳)، *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عریان، سعید (۱۳۹۲)، *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی-پارتی*، چاپ اول، تهران: علمی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، *شاهنامه فردوسی*، تصحیح: ژول مول، چاپ شانزدهم، تهران: بهزاد.
- کتاب سوم دینکرد* (۱۳۸۱)، آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه: فریدون فضیلت، جلد اول، چاپ اول، تهران: فرهنگ دهخدا.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۹۳)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار: حسن رضایی باغبیدی، چاپ هشتم، تهران: صدای معاصر.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۷۴)، *سلطنت قباد و ظهور مزدک*، ترجمه احمد بیرشک، چاپ دوم، تهران: طهوری.
- کلیما، اوتا کر (۱۳۸۶)، *تاریخ جنبش مزدکیان*، ترجمه: جهانگیر فکری ارشاد، چاپ دوم، تهران: توس.
- مادیان هزار دادستان* (هزار رأی حقوقی)، (۱۳۹۳)، گردآورنده: فرخ مرد بهرامان، پژوهش و ترجمه سعید عریان، چاپ دوم، تهران: علمی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲)، *مروج الذهب*، جلد اول، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.

_____ (۱۳۸۹)، *التنبیه والاشراف*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۸۹)، *تجارب الامم*، ۲ جلد، ترجمه: ابوالقاسم امامی، چاپ دوم، تهران: سروش.

مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، *آفرینش و تاریخ*، ۶ مجلد در ۲ جلد، تحقیق: محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران: آگه.

میگل آنخل آندرس تولدو (۱۳۹۸)، «اوستایی و پهلوی»، *راهنمای پژوهشهای زردشتی*، ترجمه: عسکر بهرامی، چاپ اول، تهران: صدای معاصر.

نقوی خیال امروهوی، علی مهدی (۱۴۰۲)، «بررسی تاریخی و مادی عقاید مزدک»، *مزدک*، به کوشش: حسین دهقان منشادی، چاپ اول، تهران: جامی.

نولدکه، تئودور (۱۴۰۰)، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه: عباس زریاب، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وینتر، انگلبرت و دیگناس، بئاته (۱۳۹۸)، *روم و ایران*، دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه: کیکاووس جهانگیری، چاپ سوم، تهران: فرزانه روز.

یارشاطر، احسان (۱۳۶۲)، «*کیش مزدکی*»، ایران‌نامه، ترجمه: م. کاشف، دوره ۲، شماره ۵، صص ۴۲-۶.

یعقوبی، احمد بن اسحق (۱۳۸۲)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.

John Malalas (1986), *The chronicle* of John Malalas, tr. Elizabeth Jeffreys, Melbourn.

Joshua the stylite (1882), *The chronicle* of Joshua the stylite, tr.W. Wright, Camberidg.

De Blois, Francois, "Mazdak and the Ancient and Mazdak the Last", cahier de *studia Iranica*, 53, 2015, pp.141-153.

Reflection of the Mazdak Movement in Syriac and Byzantine Texts

Arash Aghajanpour Gazafroudi, Askar Bahrani, Ebrahim Bavafa, Mirza Mohammad Hassani

Abstract

The purpose of this article is to answer this question: Are the teachings mentioned in Syriac and Byzantine texts, such as the system of free cohabitation and social equality, related to the Mazdak movement? This research was conducted using a historical-analytical and library method. The findings show that the system of free cohabitation and social equality and equity contained in Syriac and Byzantine texts was prevalent in society before the period of Kuwad, and Kuwad expanded it with the followers of Zoroastrianism. The Avestan and Pahlavi texts report in line with the aforementioned historians, but in the texts of Islamic historians it is attributed to Mazdak. This research aims to evaluate historical reports about Zoroaster and Mazdak based on Syriac and Byzantine texts and their comparison with Avestan, Pahlavi texts, and the works of Islamic historians.

Keywords: Mazdak movement, Syriac and Byzantine texts, Sasanians, Pahlavi and Islamic texts

Department of History, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. ar.aghajanpour@iau.ac.ir

Associate Proessor of Islamic Encyclopedia Foundation (Encyclopedia if the Islamic World), Tehran, Iran.(Corresponding Author). asbahrami@yahoo.co.uk

Department of History, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran. bavafa@iaurasht.ac.ir

Department of History, Sha.C., Islamic Azad University, Shahrood, Iran.
mirzamohamadhassani@iau.ac.ir